



A Pattern for Organizing Street Children in Kermanshah Province: Recommendations based on the Development of Entrepreneurial Skills

Nader Naderi¹ | Ehsan Khosravi^{2✉} | Faranak Karamian³

1. Corresponding Author, Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. Email: n.naderi@razi.ac.ir
2. Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. Email: e.khosravi1369@gmail.com
3. Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran. Email: karamyan.f@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Received:
13. 10. 2022
Revised:
29. 01. 2023
Accepted:
29. 01. 2023

Keywords:

Working Children,
Entrepreneurship
Development,
Children's Innovation,
Grounded Theory.

Introduction: The phenomenon of street children is a problem that metropolises and relatively large cities of contemporary societies, both advanced and developing, are struggling with. As one of the social harms, it has not only exposed a significant part of children and teenagers, who are the capital of society, to all kinds of harm but has also made families and society face many losses. In general, the phenomenon of street children is a social harm that threatens social well-being. In the meantime, a way to organize them is to develop their entrepreneurial skills, so the present study was conducted to conceptualize the model of organizing street work children in Kermanshah province, along with providing recommendations based on the development of entrepreneurial skills.

Methodology: The current research was conducted using the grounded theory method. Using purposeful and theoretical sampling methods, 20 key informants were selected as the sample. The criterion for determining the sample size was to reach theoretical saturation. The research used in-depth individual interviews, group discussions, and note-taking. Data was analyzed using the three-step coding method. The research validity was confirmed using triangulation and peer-review techniques.

Findings: According to the results, 65 concepts were identified in the open coding stage, which emerged in 16 sub-categories in the axial coding, which were subsequently placed in 5 axial classes related to the grounded theory model. The final model was compiled and presented in the selective coding stage. According to the results, the main causes of the phenomenon of street children are economic and family factors, incorrect culture of the children's families, incorrect culture ruling the society, the formation of a subculture in the relevant society, the lack of cooperation of the relevant organizations in the field of child labor with its main guardian, disproportionality of support with the economic needs of the family, competition among children, and children's satisfaction with the current situation.

Conclusion/ Implications: In general, the phenomenon of street children cannot be completely eliminated, at least in the short term, but it can be controlled, moderated, or reduced with proper planning and policies, emphasizing the development of entrepreneurial skills. Developing the entrepreneurial skills of working children, working towards the development of job creation and poverty alleviation, developing education especially for parents to improve the attitude and appropriate culture, revising and formulating protective laws with an emphasis on the organization of work groups and the development of their skills, and finally monitoring their strict implementation are some practical recommendations.

Cite this article:

Naderi, N., Khosravi, E., & Karamian, F. (2024). A Pattern for Organizing Street Children in Kermanshah Province: Recommendations based on the Development of Entrepreneurial Skills. *Journal of Entrepreneurship Research*, 3(1), 57-76.

DOI: <https://doi.org/10.22034/jer.2023.563461.1005>



© The Author(s).

Publisher: Ilam University Press.

الگوی ساماندهی کودکان کار خیابانی در استان کرمانشاه: ارائه توصیه‌های مبتنی بر توسعه مهارت‌های کارآفرینانه

نادر نادری^۱ | احسان خسروی^۲ | فرانک کرمان^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: n.naderi@razi.ac.ir

۲. گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: e.khosravi1369@gmail.com

۳. گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: karamyan.f@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

مقدمه: پدیده کودکان خیابانی معضلی است که کلان‌شهرها و شهرهای نسبتاً بزرگ جوامع معاصر اعم از پیشرفته و درحال توسعه، با آن دست‌به‌گریبان هستند و به‌عنوان یکی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی، نه‌تنها بخش درخور توجهی از کودکان و نوجوانان را که سرمایه‌های جامعه هستند، در معرض انواع آسیب‌ها قرار داده، بلکه خانواده و جامعه را نیز با زبان‌های فراوانی روبرو ساخته است. به‌طور کلی، پدیده کودکان کار خیابانی یکی از آسیب‌های اجتماعی است که رفاه اجتماعی را با تهدید روبرو ساخته است؛ به‌گونه‌ای که سیاست‌گذاران به‌دنبال راهکارهای برای ساماندهی آن هستند. در این بین، یکی از راهکارهای مناسب برای ساماندهی آنان توسعه مهارت‌های کارآفرینانه است، لذا پژوهش حاضر با هدف مفهوم‌سازی الگوی ساماندهی کودکان کار خیابانی در استان کرمانشاه توأم با ارائه توصیه‌های مبتنی بر توسعه مهارت‌های کارآفرینانه انجام شد.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر با روش نظریه بنیانی انجام پذیرفت. در این پژوهش، با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و نظری، ۲۰ نفر از مطلعان کلیدی، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. معیار تعیین حجم نمونه، رسیدن به اشباع نظری بود. در این مطالعه، از ابزارهای مصاحبه عمیق انفرادی، بحث گروهی و یادداشت‌برداری میدانی استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری سه مرحله‌ای صورت پذیرفت. قابلیت اعتبار پژوهش با استفاده از تکنیک‌های مثلث‌سازی و کنترل توسط اعضا تأیید شد.

یافته‌ها: طبق نتایج در مرحله کدگذاری باز ۶۵ مفهوم شناسایی گردید که در کدگذاری محوری ۱۶ زیر مقوله ظهور یافت که متعاقباً در پنج طبقه محوری مربوط به قالب نظریه بنیانی قرار گرفتند و در کدگذاری انتخابی الگوی نهایی تدوین و ارائه گردید. علل اصلی پدیده کودکان کار خیابانی در استان کرمانشاه، عوامل اقتصادی و خانوادگی، فرهنگ ناصحیح خانواده‌های کودکان، فرهنگ ناصحیح حاکم بر جامعه، شکل‌گیری خرده‌فرهنگ در جامعه مربوطه، عدم همکاری سازمان‌های مربوطه در زمینه کار کودک با متولی اصلی آن، عدم متناسب بودن حمایت‌های موجود نسبت به نیاز اقتصادی خانوار، چشم و هم‌چشمی بین کودکان، رضایت کودکان از وضعیت موجود بود.

نتیجه‌گیری / دستاوردها: درکل پدیده کودکان کار خیابانی را حداقل در کوتاه‌مدت نمی‌توان کاملاً از بین برد، بلکه می‌توان آن را با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب با تأکید بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی، کنترل، تعدیل و یا کاهش داد. دراین راستا، پیشنهادهای کاربردی از قبیل توسعه مهارت‌های کارآفرینانه کودکان کار، تلاش در جهت توسعه اشتغال‌زایی و فقرزدایی، توسعه آموزش به‌خصوص برای والدین با هدف بهبود نگرش و فرهنگ‌سازی مناسب، بازنگری و تدوین قوانین حمایتی با تأکید بر ساماندهی کودکان کار و توسعه مهارت‌آموزی آنان و درنهایت، نظارت بر اجرای دقیق آنان ارائه می‌شود.

نوع مقاله:

مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۷/۲۱

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۱/۰۹

کلیدواژه‌ها:

کودکان کار، توسعه کارآفرینی، نوآوری کودکان، نظریه بنیانی.

نادری، نادر، خسروی، احسان. و کرمان، فرانک. (۱۴۰۳). الگوی ساماندهی کودکان کار خیابانی در استان کرمانشاه؛ ارائه توصیه‌های

مبتنی بر توسعه مهارت‌های کارآفرینانه. *مجله پژوهش‌های کارآفرینی*، ۳ (۱)، ۷۶-۵۷.

DOI: <https://doi.org/10.22034/jer.2023.563461.1005>

ناشر: انتشارات دانشگاه ایلام

© نویسندگان.



مقدمه

پدیده کودکان خیابانی^۱ معضلی است که کلان‌شهرها و شهرهای نسبتاً بزرگ جوامع معاصر اعم از پیشرفته و درحال توسعه، با آن دست‌به‌گریبان هستند و به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی، نه‌تنها بخش درخور توجهی از کودکان و نوجوانان را که سرمایه‌های جامعه هستند، در معرض انواع آسیب‌ها قرار داده، بلکه خانواده و جامعه را نیز با زبان‌های فراوانی روبرو ساخته است (Lotfi & Razeghi, 2019; Afshani et al., 2013).

بررسی متون مختلف نشان می‌دهد، کاربرد اصطلاح کودکان خیابانی در بین محققان محافل علمی، روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها، انجمن‌های خیریه و سازمان‌های غیردولتی^۲، مؤسسات رفاهی و سازمان‌های بین‌المللی با معانی متفاوت و اغلب ابهام‌آمیز همراه است (Saghi, 2013). سازمان‌های بهداشت جهانی^۳ (WHO)، یونیسف^۴ و دیگر سازمان‌ها تعاریف مختلفی برای کودکان خیابانی ارائه داده‌اند. همچنین، سازمان ملل متحد^۵ کودکان خیابانی را این‌گونه تعریف کرده است: «پسر یا دختری که خیابان (و همچنین ساختمان‌ها و زمین‌های متروکه)، خانه و محل زندگی او شده است و تحت حمایت و نظارت کافی بزرگ‌سالان مسئول قرار ندارد» (Panter-Brick, 2002: 149). سازمان بهزیستی کشور نیز کودکان خیابانی را این‌گونه تعریف می‌کند: «کودکان خیابانی به افراد ۶ تا ۱۸ سال (اعم از دختر و پسر) اطلاق می‌گردد که در شهرهای بزرگ در خیابان‌ها و اماکن عمومی و پرتدد نظیر پارک‌ها، پایانه‌ها و غیره به‌صورت دائمی یا موقت مشغول کسب درآمد یا وقت‌گذرانی باشند» (Iran Welfare Organization, 2019).

اگرچه تخمین تعداد دقیق کودکان خیابانی دشوار است، آمارهای مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد تعداد کودکان خیابانی و کار افزایش یافته است؛ به‌طوری‌که براساس گزارش سالانه سازمان بین‌المللی کار، تعداد این کودکان از ۲۴۶ میلیون نفر در سال ۲۰۰۵ به ۳۱۷ میلیون نفر در سال ۲۰۱۴ رسیده است (International Labor Organization, 2015: 26). همچنین، یونیسف در گزارشی اعلام کرد که حدود ۳۰۰ میلیون کودک خیابانی در جهان وجود دارد که برای بقای خود در خیابان‌ها بدون غذا، پناهگاه و لباس مناسب تلاش می‌کنند. براساس برآورد بانک توسعه آسیا، حدود ۲۵ میلیون کودک در خیابان‌های کشورهای آسیایی زندگی می‌کنند (Bal et al., 2010). در ایران نیز، مسئله کار کودکان در خیابان، از دهه هفتاد در شهرهای بزرگ کشور رواج یافته و مورد توجه مسئولین و پژوهشگران قرار گرفته است. گزارش‌های مختلف حاکی از این است که این کودکان برای نخستین بار در سال ۱۳۷۲ در خیابان‌های تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور دیده شدند. کودکانی که در رده‌های سنی گوناگون بیشتر در پارک‌ها و چهارراه‌های شلوغ و پر رفت‌وآمد به دست‌فروشی یا کارهای خدماتی پیش‌پاافتاده می‌پردازند، آنان ساعت‌های بسیار در طول روز در پی برآوردن نیازهای پایه‌ای خود و خانواده‌شان در خیابان پرسه می‌زنند و با انواع آسیب‌های جسمی، اجتماعی، روانی و غیره مواجه می‌شوند (Tabrizi, 2011).

استان کرمانشاه نیز از این معضل اجتماعی در امان نبوده و با وجود اقدامات سازمان‌هایی مانند بهزیستی، این پدیده همچنان یکی از معضلات اساسی به‌شمار می‌رود. به‌گفته مدیرکل بهزیستی استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶، ۴۵۰ کودک خیابانی و کار در استان کرمانشاه شناسایی شده است که از این میزان، ۱۵۰ کودک کار توانمند شده‌اند. به‌گفته این مقام مسئول، با وجود آن‌که اقدامات مؤثری نظیر ایجاد یک مرکز تخصصی روزانه و یک مرکز شبانه‌روزی با هدف شناسایی کودکان کار و خیابانی، جمع‌آوری کودکان در مرکز تخصصی بهزیستی و غربالگری آنان، به‌کارگیری کودکان کار در توزیع روزنامه، پوشش‌دهی تعدادی

¹ Street Children

² Non-government organisation

³ World Health Organization (WHO)

⁴ United Nations International Children's Emergency Fund (UNICEF)

⁵ United Nations

از آنان در طرح تلاش سبز و غیره به منظور کاهش این معضل اجتماعی و ساماندهی کودکان کار در سطح استان کرمانشاه انجام گرفته است، اما هنوز هم این معضل در استان کرمانشاه وجود دارد و روز به روز در حال افزایش است (Molavi, 2016). با توجه به این که پدیده کودکان خیابانی یکی از آسیب‌های اجتماعی است که به عنوان معضلی در شهرهای بزرگ کشور ما رو به گسترش است و بی‌شک استان کرمانشاه نیز از این معضل مستثنی نیست؛ بنابراین، توجه علمی و برنامه‌ریزی مناسب پیرامون آن ضرورت دارد؛ چراکه این کودکان زیر فشارها و در سایه سختی‌های زندگی به کار در خیابان‌ها رو آورده‌اند و فرایند طبیعی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی‌شان و همچنین، تکامل شخصیت و جریان اجتماعی شدن بهنجار آنان به خطر افتاده است و نیازمند توجه ویژه‌اند. از سوی دیگر، ایجاد تغییر و فرصت لازم برای کودکان و نوجوانان می‌تواند ضمن ارتقای میزان فعالیت‌های کارآفرینانه در آنان، به بهبود و تغییر جامعه کمک شایانی کند. به عبارت دیگر، ترویج و توسعه مهارت‌های کارآفرینی و خوداشتغالی در جامعه، ارتقاء، روحیه نشاط و نوآوری، افزایش امید در جامعه، کاستن از بار مسئولیت‌های فراوان دولت، نهادینه شدن فرهنگ کار و کارآفرینی در جامعه، کاهش معضلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و درنهایت رونق تولید در جهت توسعه پایدار را در پی دارد (Mars & Rhoades, 2012). بنابراین، لازم است پژوهش‌های کاربردی در این زمینه برای شناسایی فرصت‌های کارآفرینی و همچنین، ارائه راهکارهایی با تأکید بر توسعه مهارت‌های کارآفرینانه کودکان کار (Shiri et al., 2021) در جهت کنترل و کاهش آسیب‌های وارده صورت گیرد؛ چراکه مطالعات مختلف حاکی از آن است که توسعه مهارت‌های کارآفرینی زمینه فقرزدایی را فراهم می‌کند (Mirakzadeh et al., 2021; Mosavi Seresht et al., 2021; Khosravi et al., 2021).

براساس مطالعات بررسی شده چنین می‌توان گفت که هرچند برخی از پژوهش‌ها به بررسی کودکان کار خیابانی پرداخته‌اند، اما کمتر مطالعه‌ای به بررسی ساماندهی پدیده کودکان کار خیابانی استان کرمانشاه آن هم با تأکید بر توسعه مهارت‌های کارآفرینانه پرداخته است و در بین مطالعات بررسی شده مطالعه‌ای که با رویکرد کیفی و به روش نظریه بنیانی به واکاوی ساماندهی پدیده کودکان کار خیابانی ایران و به‌طور ویژه در استان کرمانشاه پرداخته باشد، یافت نشد. لذا هدف از مطالعه حاضر، «الگوی ساماندهی کودکان کار خیابانی در استان کرمانشاه توأم با ارائه توصیه‌های مبتنی بر توسعه مهارت‌های کارآفرینانه» است. در این راستا، پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: عوامل مؤثر (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر) بر بروز پدیده کودکان کار خیابانی در استان کرمانشاه کدامند؟ سازمان‌های مسئول و ذی‌ربط، چه اقداماتی در تعامل با این معضل اجتماعی انجام داده‌اند؟ این اقدامات چه پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت؟ و درنهایت، راهکارهای عملیاتی با تأکید بر توسعه مهارت‌های کارآفرینانه در جهت کنترل، تعدیل و یا حتی حل معضل کار کودکان در استان کرمانشاه کدامند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مهارت‌های کارآفرینی مجموعه‌ای از مهارت‌های تجاری است که افراد برای رویارویی با محیط پرتلاطم کار آماده می‌سازد. به‌طور ساده، به‌مجموع تمام ویژگی‌ها و توانایی‌های مورد نیاز برای عملکرد موفقیت‌آمیز در کار گفته می‌شود (Smith et al., 2007). براساس بررسی مطالعات صورت گرفته می‌توان بیان نمود که تاکنون هیچ مطالعه‌ای به بررسی اقدامات ارگان‌های مسئول در زمینه ساماندهی کودکان خیابانی و نتایج حاصل از آن با تأکید بر توسعه مهارت‌های کارآفرینانه نپرداخته است و بیشتر مطالعات بر آسیب‌شناسی و علل کار کودکان اشاره دارد. برای مثال، سلطانی و همکاران (Soltani et al., 2016) در تحقیقی تحت عنوان «آسیب‌شناسی پدیده کودکان کار و خیابان در ایران» به این نتیجه رسیدند که از نگاه اجتماعی و آسیب‌شناسانه با توجه به تغییرات در جوامع شهری، رشد مهاجرت‌ها و توزیع نابرابر ثروت و شکاف طبقاتی، پدیده کودکان کار و خیابان در سالیان اخیر تشدید شده است. برای کنترل و پیشگیری پدیده کودکان کار و خیابان، جامعه نیازمند به بازبینی در قوانین موجود، در دسترس قراردادن فرصت‌های آموزشی برابر، فعال نمودن انجمن‌های حمایت از حقوق کودکان و غیره است. نتایج مطالعه امیری (Amiri, 2015) نشان دادند که شرایط نابسامان اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های کودکان خیابانی و از طرفی فرهنگ پذیرفته

شده در زمینه کار کودک توسط آنان، موجب ورود کودکان به عرصه کار در خیابان شده است. نتایج مطالعه افشانی و همکاران (Afshani et al., 2013) نیز نشان دادند که درآمد پایین، والدین معنادار قرار گرفتن در معرض آزار جسمی توسط والدین از مهم‌ترین دلایل کار کودکان در خیابان است. همچنین، نتایج این مطالعه نشان دادند که اکثر کودکان خیابانی به کارهای انحرافی دست زده‌اند، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته، توسط پلیس دستگیر شده و حتی عده‌ای نیز به زندان رفته‌اند. نتایج پژوهش فلاح و همکاران (Fallah et al., 2008) نشان دادند که اکثر کودکان خیابانی شهر تهران، کودکان سایر شهرها و استان‌ها هستند که به دلایلی مانند اعتیاد، طلاق، بی‌سرپرستی و بدسرپرستی به تهران آمده‌اند و یا به دلیل فقر اقتصادی به تنهایی یا همراه خانواده خود به کلان‌شهرهایی نظیر تهران مهاجرت کرده‌اند.

نتایج تحقیقات پیشین نشان‌دهنده این است که مهم‌ترین دلایلی که برای کار کودکان ذکر شده است، فقر (Alptekin, 2011; Udofia & Etim, 2013; Acar, 2010; Omokhodion et al., 2006)، مهاجرت (Acar, 2010; Alptekin, 2011)، بیکاری (Bal Yilmaz & Dulgerler, 2011) و حمایت از خانواده (Nuwayhid et al., 2005) است. خانواده پرجمعیت، فقدان یکی از والدین یا هر دوی آنان، ناپدری داشتن، عدم حمایت خانواده، تحصیلات پایین‌تر خانواده از دیگر عواملی هستند که کودکان را به منظور کار کردن روانه خیابان‌ها می‌کنند (Sorber et al., 2014; McAlpine et al., 2010; Aderinto, 2000). در برخی از مطالعات، به مهم‌ترین پیامدهای کار کودکان پرداخته شده است، که عبارتند از گیر افتادن کودکان در دور باطل کار کودک در نسل‌های آتی (Figueiredo & Lima, 2022)، جاماندن کودکان کار از تحصیل (Santillán Hernández & Vargas Sánchez, 2022)، افزایش آسیب‌های کودکان (Kozhaya & Martinez Flores, 2022)، افزایش فقر (Rosati, 2022)، بروز معضلات اجتماعی در سطح جامعه (Gilani et al., 2022).

مرور مطالعات مختلف در زمینه کودکان کار و خیابانی نشان می‌دهد که اکثر مطالعات داخلی و خارجی به بررسی عوامل مؤثر بر پدیده کودکان کار و خیابانی و همچنین، آسیب‌های وارده بر این کودکان پرداخته‌اند و هیچ‌کدام از این مطالعات، رسالت‌های سازمان‌های مسئول ذی‌ربط در زمینه سامان‌دهی کار کودکان را بررسی نکرده‌اند؛ درحالی که باید به این نکته توجه گردد که علاوه بر ریشه‌یابی و بررسی دلایل و عوامل مؤثر بر پدیده کودکان کار، بررسی اقدامات انجام‌گرفته نیز حائز اهمیت می‌باشد؛ زیرا براساس آیین‌نامه‌ای که در سال ۱۳۸۴ توسط هیئت‌وزیران به تصویب رسید، در کنار بهزیستی، ۱۱ ارگان دیگر مسئول سامان‌دهی کودکان کار و خروج آنان از چرخه آسیب هستند؛ لذا مهم‌ترین وجه تمایز این مطالعه با مطالعات دیگر در پرداختن به اقدامات سازمان‌های مسئول و ذی‌ربط و تحلیل پیامدهای حاصل از آن و همچنین، داشتن دیدگاه نقادانه است تا بتوان براین اساس، راهکارهای قابل اجرا ارائه کند. همچنین، دیگر نوآوری متمایزکننده این مطالعه به تأکید این پژوهش به توسعه مهارت‌های کارآفرینانه در بین جامعه هدف به‌عنوان راهکاری برای خروج نسل‌های حاضر و آتی آنان از دور باطل پدیده کودکان کار خیابانی است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر رویکرد کیفی و با استفاده از نظریه بنیانی^۱ به روش استراوس^۲ (SGT) انجام پذیرفت. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کلیه خبرگان در زمینه موضوع مورد مطالعه در سطح استان کرمانشاه به‌خصوص در سطح ادارات ذی‌ربط بودند. در پژوهش حاضر، از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند^۳ و نظری^۴ استفاده شد. معیار تعیین حجم نمونه، رسیدن به اشباع

^۱ Grounded Theory (GT)

^۲ Straussian Grounded Theory (SGT)

^۳ Purposive Sampling

^۴ Theoretical Sampling

نظری^۱ بود؛ یعنی زمانی که دیگر هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیاید و مفاهیم جدیدی شناسایی نشوند. در این پژوهش، از طریق مصاحبه عمیق و انفرادی با ۲۰ نفر، اشباع نظری حاصل گشت. همچنین، برای جمع‌آوری اطلاعات جهت تدوین اهداف، تعیین مشارکت‌کنندگان، تبیین روش تحقیق و بررسی ادبیات موضوع از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) بهره گرفته شده است. در این زمینه، از پایان‌نامه‌ها، رساله‌های محققان، گزارش‌های دولتی، نشریات، مجلات، روزنامه‌ها، مقالات اینترنتی، آمارنامه‌ها، اسناد دولتی و سایر منابع استفاده شده است. در این مطالعه از مصاحبه عمیق انفرادی^۲، بحث گروهی، یادداشت‌برداری^۳، بررسی اسناد و مدارک و یا اغلب ترکیبی از این موارد به منظور جمع‌آوری داده‌های اولیه استفاده شد و برای تمرکز بیشتر، با رضایت برخی شرکت‌کنندگان، از ضبط صوت استفاده گردید. مصاحبه شامل پرسش‌هایی از پیش تعیین شده است و مرتبط با هدف و یا سؤال کلی پژوهش هستند و البته پژوهشگر می‌تواند در خلال مطالعه نیز سؤالات جدیدی مطرح کند. هر مصاحبه به طور میانگین حدود ۳۰-۴۵ دقیقه به طول انجامید. تحلیل داده‌ها همزمان با جمع‌آوری داده‌ها صورت پذیرفت و براساس اصول روش‌شناسی نظریه بنیانی که شامل سه مرحله کدگذاری باز^۴، کدگذاری محوری^۵ و کدگذاری انتخابی^۶ است (Corbin & Strauss, 1990)، انجام گرفت؛ به این صورت که در پایان هر روز، تمام اطلاعاتی (به صورت صدا، دست نوشته و غیره) که از زمینه^۷ مورد مطالعه جمع‌آوری شده بودند به متن^۸ تبدیل شدند. در این پژوهش، همزمان با گردآوری داده‌ها در حین مصاحبه، به یادداشت‌برداری نیز پرداخته شد. یادداشت‌برداری میدانی عبارت است از آنچه هنگام مشاهده توسط محقق به دقت یادداشت‌برداری می‌شود تا در حد امکان مشاهدات با صحت کامل مکتوب شوند. به عبارتی، محاسبات تشریحی هستند که محقق آنچه را در صحنه واقعی موضوع اتفاق می‌افتد، به طور عینی ثبت می‌کند (Quick & Hall, 2022). به منظور دستیابی به نتایج دقیق‌تر، پس از انجام مصاحبه‌های عمیق با کارشناسان بخش خصوصی و دولتی، جلسه‌هایی به صورت جداگانه و گروهی با کارشناسان هر بخش برگزار شده تا زمینه لازم برای طوفان فکری فراهم گردد و بتوان به نتایج دقیق‌تری در زمینه ساماندهی پدیده کودکان کار خیابانی استان کرمانشاه با تأکید بر توسعه مهارت‌های کارآفرینانه آنان دست یافت. لازم به ذکر است هر کدام از جلسات حدود ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه به طول انجامید. در نهایت، در فرآیند کدگذاری سه مرحله‌ای و غیرخطی، ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده، دسته‌بندی می‌شود و به هر دسته عنوان مناسب داده و سپس از دل آن‌ها، مفاهیم^۹ و مقولات^{۱۰} استخراج می‌شوند و از این رهگذر رهگذر خوشه‌های مفهومی تشکیل می‌شوند که هر یک به مقولاتی تعلق دارند و سرانجام از ارتباط این مقولات است که شالوده-ای سامان می‌یابد و مدل مورد نظر خلق می‌شود. در طول مرحله تجزیه و تحلیل، روش مقایسه دائمی^{۱۱} مورد استفاده قرار گرفت. در روش نظریه بنیانی، محقق از همان ابتدا بر مفهوم‌سازی^{۱۲} تمرکز دارد و با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای این کار را انجام می‌دهد؛ یعنی دائماً باید یک گام به عقب برگردد و در مفاهیم تجدید نظر نماید (Glaser & Holton, 2004). در نهایت، براساس روش سیستماتیک نظریه بنیانی یک مدل پژوهش بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده در زمینه موضوع مورد بررسی، ارائه گردید که ارتباطات و تعاملات بین مقوله‌های اصلی پژوهش در این مدل مشهود است (شکل ۱). اعتبار مدل ارائه شده با استفاده از تکنیک‌های مثلث‌سازی^{۱۳} و کنترل اعضا^{۱۴} مورد ارزیابی قرار گرفت، یعنی از طریق ارائه نتایج به پاسخگویان از واکنش‌های آنان

¹ Theoretical saturation

² Individual depth interviews

³ Not-taking

⁴ Open coding

⁵ Axial coding

⁶ Selective coding

⁷ Context

⁸ Text

⁹ Concepts

¹⁰ Category

¹¹ Constant comparative

¹² Conceptualisation

¹³ Triangulation

¹⁴ Member checks

در مرحله گزارش نوشته‌ها آگاهی و از صحت و سقم اطلاعات اطمینان حاصل شده است. در پژوهش حاضر، نیز متن مصاحبه‌ها ابتدا یادداشت‌برداری شده، سپس از مشارکت کنندگان دعوت به عمل آمده که مجدداً نقطه نظراتشان را اصلاح کنند. در مرحله آخر نظریه بنیانی (کدگذاری انتخابی)، از طریق مراجعه مجدد به هر یک از شرکت‌کنندگان و انجام یک مصاحبه منفرد و یا انجام جلسات متعدد مصاحبه، نسبت به اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها، اقدام و به این ترتیب از اعتبار مصاحبه‌ها اطمینان حاصل شد و در نهایت تأیید گردید.

یافته‌ها

کدگذاری باز: در پژوهش حاضر برای انجام کدگذاری باز، داده‌ها به صورت خط به خط بازنگری شده و پس از تشخیص فرایندها و نکات اصلی، به هر جمله کد داده شده است. در این مرحله، ۶۵ مفهوم استخراج گردید (جدول ۱).

کدگذاری محوری: در کدگذاری محوری، طبقات شکل می‌گیرند و مفاهیم با توجه به قرابت معنایی در یک طبقه قرار می‌گیرند. لازمه مرحله کدگذاری محوری، مقایسه دائمی داده‌ها است. در این مرحله، پایه‌های اولیه مدل پارادایمیک پژوهش که نشان‌دهنده جریان فرایندها و فعالیت‌هایی است که در بستر مطالعه اتفاق افتاده است، شکل گرفت. این مدل پنج قسمت دارد؛ شرایط علی^۱، شرایط زمینه‌ای^۲، شرایط مداخله‌گر^۳، فرایندها و تعاملات^۴ (استراتژی‌ها) و پیامدها^۵. در میانه مدل، پدیده مرکزی مرکزی قرار گرفته است که فعالیت‌ها حول آن شکل می‌گیرند. در جدول ۱، طبقات محوری و مفاهیم نمایش داده شده است.

جدول ۱. مفاهیم و طبقات ایجاد شده حاصل از پژوهش (نتایج دو مرحله کدگذاری باز و محوری)

کد	مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز	طبقه	طبقه محوری
A _{a1}	فقر	عوامل اقتصادی	شرایط علی
A _{a2}	توزیع ناعادلانه ثروت		
A _{a3}	بیکاری والدین		
A _{a4}	کسب درآمد		
A _{b1}	ناآگاهی والدین از نیاز کودکان	عوامل خانوادگی	شرایط زمینه‌ای
A _{b2}	ناآگاهی والدین از حقوق کودکان		
A _{b3}	بدسرپرستی		
B ₁	فرهنگ ناصحیح خانواده‌های کودکان	عوامل فرهنگی	شرایط زمینه‌ای
B ₂	فرهنگ ناصحیح حاکم بر جامعه		
C _{a1}	شکل‌گیری خرده‌فرهنگ جامعه مربوطه		
C _{a2}	عدم همکاری سازمان‌های مربوطه در زمینه کار کودک با متولی اصلی آن	عملیتهای کلان	شرایط مداخله‌گر
C _{a3}	عدم پاسخگو بودن حمایت‌های موجود نسبت به نیاز اقتصادی خانوار		
C _{b1}	چشم و هم‌چشمی بین کودکان		
C _{b2}	تیمی بودن برخی از فعالیت کار کودکان	عملیتهای خرد	شرایط مداخله‌گر
C _{b3}	رضایت کودکان از وضعیت موجود		
D _{a1}	شناسایی و انتقال کودکان به مراکز مربوطه	فرستادن مددکاران جهت بازدید از وضعیت زندگی کودکان	شرایط مداخله‌گر
D _{a2}	فرستادن مددکاران جهت بازدید از وضعیت زندگی کودکان		

¹ Casual Condition

² Context Condition

³ Intervening Condition

⁴ Actions & Interaction

⁵ Consequences

جدول ۱. مفاهیم و طبقات ایجاد شده حاصل از پژوهش (نتایج دو مرحله کدگذاری باز و محوری)

کد	مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز	طبقه	طبقه محوری
D _{a3}	معرفی به سازمان‌های دیگر جهت تحت پوشش درآوردن خانواده‌های نیازمند	اداره کل بهزیستی	استراتژی‌ها
D _{a4}	معرفی والدین دارای اعتیاد به کمپ‌های ترک اعتیاد به صورت رایگان		
D _{a5}	حمایت‌های مالی از خانواده‌های نیازمند		
D _{a6}	برگزاری کلاس‌های جرئت آموزی برای کودکان		
D _{a7}	ارائه خدمات مشاوره‌ای رایگان		
D _{a8}	تست HIV از والدین کودکان		
D _{a9}	برگزاری کلاس‌های کسب درآمد و مهارت		
D _{a10}	استخدام کودکان در شغل‌های مورد تأیید این سازمان		
D _{b1}	همکاری بهزیستی، معاونت اجتماعی ناجا و شهرداری جهت جمع‌آوری کودکان کار در سطح شهر	معاونت اجتماعی ناجا و شهرداری	
D _{b2}	ارتباط معاونت اجتماعی ناجا با سمن‌ها و دستگاه‌های مرتبط برای ساماندهی کودکان کار	شهرداری	
D _{c1}	ارائه مجوز توسط دادگستری به بهزیستی برای جمع‌آوری کودکان در سطح شهر	دادگستری	استانداری
D _{c2}	آموزش و آگاه‌سازی کودکان توسط دادگستری		
D _{d1}	ارائه مجوز توسط استانداری به انجمن‌ها و سمن‌ها به منظور فعالیت در زمینه کودکان کار		
D _{d2}	اختصاص بودجه از طرف استانداری به انجمن‌ها و سمن‌ها مربوطه		
D _{d3}	ارائه کمک‌های مالی توسط استانداری جهت برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای کودکان	استانداری	
D _{d4}	تشکیل کارگروه‌های مربوط به سامان‌دهی کودکان کار توسط استانداری		
D _e	تحت پوشش درآوردن خانواده‌های کودکان کار توسط کمیته امداد (ره)	کمیته امداد امام (ره)	
D _{f1}	شناسایی کودکان کار		
D _{f2}	شناسنامه‌دار کردن کودکان کار		
D _{f3}	بازدید از وضعیت مالی و خانوادگی کودکان شناسایی شده		
D _{f4}	برگزاری کلاس‌های آموزشی برای کودکان	سازمان‌های مردم‌نهاد	
D _{f5}	برگزاری اردوهای تفریحی-زیارتی برای کودکان کار		
D _{f6}	تهیه کالاهای اساسی برای خانواده‌های کودکان		
D _{f7}	تهیه لوازم التحریر برای کودکان کار		
D _{f8}	وصل نمودن خیرین به کودکان		
D _{f9}	کمک به کودکان در جهت شکوفایی استعدادهای آنان		
E _{a1}	دور کردن کودکان از آسیب‌های اجتماعی		پیامدهای مربوط به استراتژی‌های بهزیستی
E _{a2}	ترک اعتیاد برخی والدین		
E _{a3}	توانمندسازی کودکان در حوزه کسب درآمد و اشتغال‌زایی		
E _{a4}	توانمندسازی کودکان در زمینه محافظت از خود در برابر آسیب‌های اجتماعی		
E _{a5}	نامن شدن فضای کار برای کودکان		
E _{b1}	برقراری رابطه و پیوند محکم بین سمن‌های فعال در زمینه کودکان کار و خیابانی		پیامدهای قابل انتظار

جدول ۱. مفاهیم و طبقات ایجاد شده حاصل از پژوهش (نتایج دو مرحله کدگذاری باز و محوری)

کد	مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز	طبقه	طبقه محوری
E _{b2}	تسریع در روند فعالیت‌های بهزیستی	مربوط به استراتژی‌های	طبقه محوری
E _{b3}	ایجاد محیط ناامن	پیامدهای مربوط به	سازمان‌ها
E _{b4}	افزایش انگیزه فعالیت سمن‌ها در زمینه کار کودکان	استراتژی‌ها سایر	سازمان‌ها
E _{b5}	افزایش سطح آگاهی کودکان از آینده	سازمان‌ها	
E _{b6}	افزایش توان مالی		
E _{b7}	ایجاد روحیه شاد برای کودکان		
E _{b8}	خروج کودک از چرخه کار		
E _{b9}	شکوفایی استعدادهای کودکان		
E _{c1}	عدم حل معضل کودکان کار در استان	پیامدهای غیرقابل انتظار	
E _{c2}	عدم همکاری سازمان‌ها و سازمان‌های مربوط به سامان‌دهی کودکان	مربوط به استراتژی‌های	سازمان‌ها
E _{c3}	فروش وسایل اهدایی توسط برخی از والدین	سازمان‌ها	
E _{d1}	جا ماندن از تحصیل	پیامدهای مربوط	
E _{d2}	عدم شغل مناسب در آینده	به پدیده کودکان کار	
E _{d3}	چرخه باطل کار کودکان در نسل‌های پی‌درپی		
E _{d4}	کاهش نیروی کار ماهر در نسل‌های آینده		
E _{d5}	گرفتار شدن کودکان و جامعه در دام انواع آسیب‌های اجتماعی		

کدگذاری انتخابی: کدگذاری انتخابی عبارت است از تلفیق و توأم کردن طبقات به وجود آمده برای شکل‌گیری اولیه مدل پژوهش. در این مرحله، جمله‌هایی که قبلاً کدگذاری شده‌اند، دوباره با هم ترکیب شدند تا رابطه میان آن‌ها قابل درک شود و سپس مدل مربوط به آن‌ها ترسیم گردید. فعالیت عمده و اصلی این مرحله از تحلیل، ایجاد خط سیر داستانی بود که همه طبقات را شامل می‌شود. در مرحله آخر، محققان با برگزاری جلسه‌ای با کارشناسان مربوطه، مدل میدانی پژوهش را بررسی نموده و مورد تأیید آنان قرار گرفت. شکل شماره ۱، مدل پارادایمیک پژوهش را نشان می‌دهد.

پدیده: پدیده، همان مقوله و مفهوم اصلی است که بین تمام مقولات ارتباط برقرار می‌کند. در واقع پدیده، مقوله‌ای است که جوهره اصلی پژوهش و عصاره تمام مقولات است. براساس نتایج در این پژوهش، مقوله «کودکان خیابانی و کار» به عنوان مقوله‌ی مرکزی انتخاب شد.

شرایط علی: موجبات علی در پژوهش حاضر آن دسته از عواملی را شامل می‌شود که به طور مستقیم بر پدیده کار کودکان در سطح استان کرمانشاه اثر می‌گذارد. موجبات علی در این پژوهش خود از چند مقوله فرعی تشکیل شده است که عبارتند از: ۱. عوامل اقتصادی و ۲. عوامل خانوادگی.

از جمله عوامل اقتصادی که در ایجاد پدیده کودکان کار نقش اساسی دارد می‌توان به فقر و توزیع ناعادلانه ثروت، بیکاری والدین و کسب درآمد اشاره نمود. «فقر» و نامناسب بودن سطح اقتصادی - مالی خانواده کودکان و عدم توانایی والدین در پاسخگویی به حداقل نیازهای معیشتی خانواده عامل مهمی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره داشتند. در این رابطه مصاحبه‌شونده شماره (۱۵) چنین بیان می‌کند:

«... فقر والدین باعث شده که کودکان خودشان را به خیابان‌ها بفرستند. حتی برخی از افراد تحت پوشش هستند که به دلیل فقر شدید دختر ۱۲ ساله خود را مجبور به ازدواج کرده... حتی قوه قضاییه با این امر مخالفت کرد و اجازه نداد عقد کند، اما خانواده اون رو به صیغه مرد مورد نظر درآوردن...» (مصاحبه‌شونده شماره ۷، ۱۳۹۷).

این خانواده‌ها در راستای پاسخگویی به حداقل نیازهای اقتصادی و مالی و در راستای حفظ بنیان خانواده، سعی در نگهداری و عدم متلاشی شدن بنیان خانواده را دارند؛ لذا از کودکان خود در این راستا استفاده می‌کنند. یکی دیگر از مواردی که کارشناسان به آن اشاره داشتند، «توزیع ناعادلانه ثروت» در جامعه بود که به‌عنوان عاملی مهم در به‌کارگیری کودکان در خیابان نقش بازی می‌کند. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که علاوه بر وضعیت لجام‌گسیخته اقتصادی در ایران، ثروت نیز به‌طور عادلانه بین همه اقشار مردم توزیع نشده است و بسیاری از مردم در ثروت و رفاه کامل هستند و برخی دیگر در ذلت و تنگدستی. از طرفی بیکاری والدین بر مشکلات آنان افزوده است. زمانی که والدین نتوانند برای خود شغل مناسبی پیدا کنند، کودکان را مجبور به کار کردن می‌نمایند.

عامل مهم دیگری که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره داشتند انگیزه «کسب درآمد» در کودکان بود. آنان بیان نمودند که کودکان با هدف‌های مختلف مانند تأمین معیشت خانواده، هزینه‌های درمان، هزینه تحصیل خود، خرید مایحتاج خود و غیره اقدام به کار می‌کنند.

دسته دوم از شرایط علی، عوامل خانوادگی بودند. از جمله مواردی که در دسته عوامل خانوادگی جای گرفت شامل ناآگاهی والدین از نیازهای کودکان، ناآگاهی والدین از حقوق کودکان و بدسرپرستی بود. به‌عقیده پاسخگویان بسیاری از والدین از نیازهای کودکان خود اطلاعی ندارند و کودک مجبور می‌شود برای تأمین مایحتاج خود به خیابان برود. همین امر موجب آشنا شدن کودک با محیط خیابان و افراد بزرگسال و یا کودکان خیابانی می‌گردد که به آسیب‌های اجتماعی گرفتار هستند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بیان داشت:

«...متأسفانه برخی خانواده‌ها به نیاز کودکان خود توجه نمی‌کنند. مثلاً به نمونه از مراجعان به من کودکی بود که وقتی دلیل کار کردنش رو پرسیدم گفت می‌خوام تبلت بخرم و پدرم بهم پول نمیده. خودم مجبورم کار کنم...» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، ۱۳۹۷).

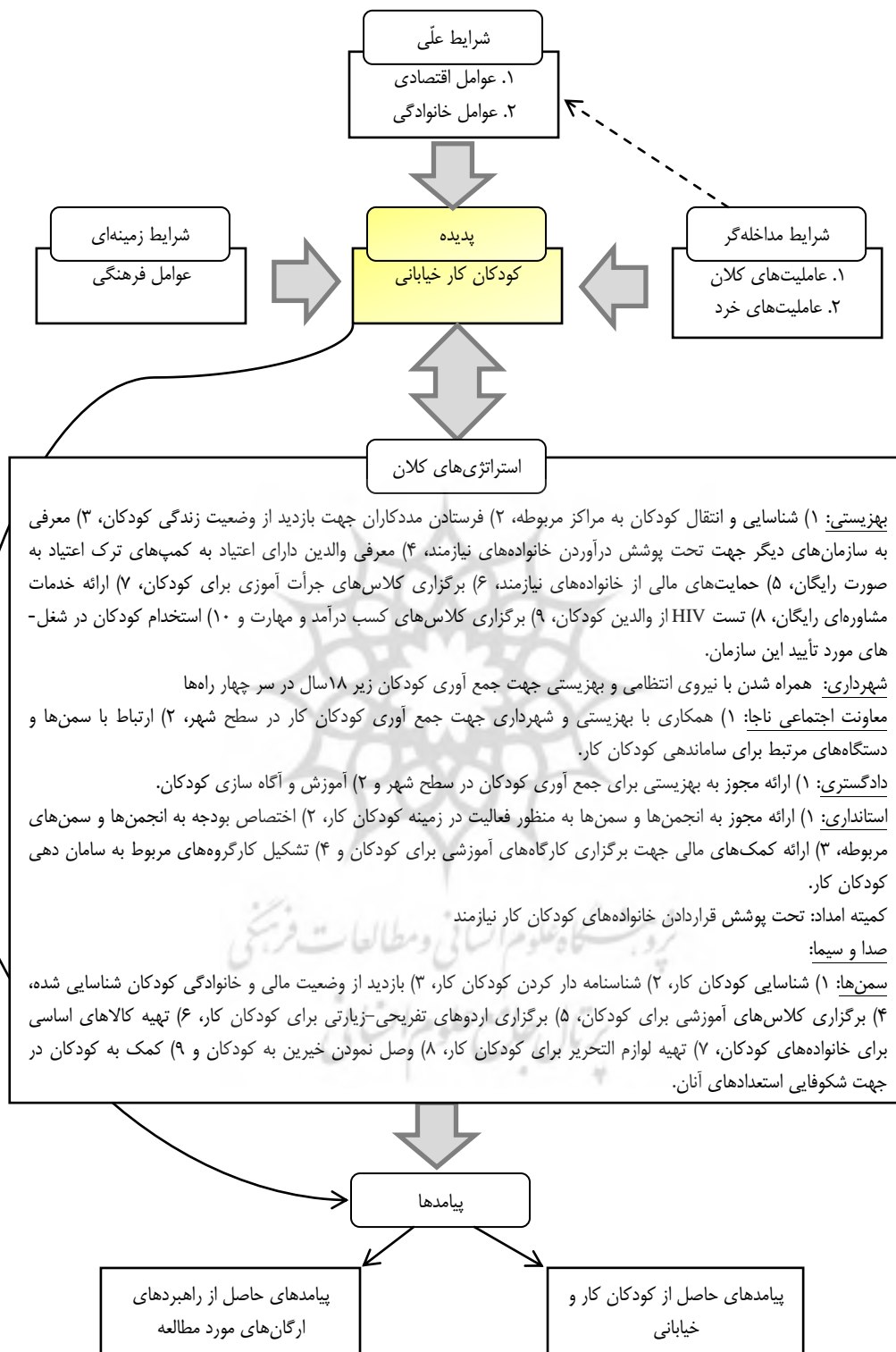
نکته مهمی که در رابطه با این مقوله وجود دارد این است که شاید در نگاه اول، کودک فقط برای تأمین مایحتاج اولیه خود به کار کردن در خیابان‌ها برود، اما بعد از مدتی، خیابان برای او یک منبع کسب درآمد می‌شود و به‌خاطر به‌دست آوردن پول بیشتر به سمت کارهایی برود که عواقب بسیار بدی را به‌دنبال دارد.

«ناآگاهی والدین از حقوق کودکان»، مفهوم دیگری بود که به آن اشاره شد. به‌عقیده مصاحبه‌شوندگان، بسیاری از خانواده‌ها از حقوق کودکان اطلاعی ندارند و نمی‌دانند که به کار گماردن کودکان جرم است و هر کودک فقط حق کودکی کردن را دارد نه کار کردن. آنان معتقد بودند اگر خانواده‌ها از حقوق کودکان آگاه باشند، هیچ‌وقت کودکان خود را به کار کردن در خیابان هدایت نمی‌کردند. «بدسرپرستی» عامل دیگری بود که به آن اشاره شد. این بدسرپرستی اعتیاد، طلاق، متارکه، و غیره را در برمی‌گیرد. برخی از کودکان خیابانی و کار بدون سرپرست هستند که این عامل سبب کاهش میزان اقتصاد خانواده و در نتیجه بروز پدیده کودکان کار است.

شرایط زمینه‌ای: در این پژوهش مقوله شرایط زمینه‌ای در دو بستر خانواده و جامعه حکم‌فرما است که عبارتند از (۱) فرهنگ ناصحیح خانواده‌های کودکان و (۲) فرهنگ ناصحیح حاکم بر جامعه.

یکی از شرایط زمینه‌ای، «فرهنگ پایین و ناصحیح برخی از والدین کودکان» بود. این والدین با این نوع از فرهنگ که به‌خصوص در مناطق فقیرنشین و حاشیه‌ای زیاد هستند، کار کردن کودکان را نوعی زرنگی می‌دانند و به‌خاطر چشم و هم‌چشمی با همسایه‌ای که فرزندش در خیابان کار می‌کند، فرزندان خود را به کار کردن سوق می‌دهند. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره (۷) بیان داشت:

«... فرهنگ والدین هم در ایجاد کار کودکان بی‌تأثیر نیست. بسیاری از والدین کار کردن را نشانه زرنگی کودک می‌دانند و از همان ابتدا او را به سمت کار هدایت می‌کنند...» (مصاحبه‌شونده شماره ۷، ۱۳۹۷).



شکل ۱. مدل پارادایمیک پژوهش

عامل «فرهنگ ناصحیح حاکم بر کل جامعه» یکی دیگر از عوامل بود. تقریباً اکثریت مصاحبه‌شوندگان بیان نمودند که فرهنگ حاکم بر استان کرمانشاه در راستای پرورش و توسعه کودکان کار است. آنان بیان نمودند که مردم دلسوز و شریف استان نه از روی عمد، بلکه از روی ناآگاهی و دلسوزی با کمک‌های نقدی و غیرنقدی به کودکان، آنان را برای کار کردن در خیابان‌ها تشویق و ترغیب می‌کنند و تا زمانی که این نوع برخورد و رفتار با این کودکان را شاهد هستیم، نه تنها از تعداد کودکان کاسته نخواهد شد، بلکه در حال افزایش خواهد بود.

شرایط مداخله‌گر: درحالی که عوامل زمینه‌ای بر موجبات هم‌بافت و بی‌واسطه در پدیده «کودکان کار خیابانی» دلالت می‌کنند، عوامل مداخله‌گر عاملیت‌ها و کنش‌های مؤثر و باواسطه در پدیده مذکور را تشکیل می‌دهند. این طبقه موضوعی خود از چند مقوله فرعی تشکیل شده است. که عبارتند از: ۱. عاملیت‌های کلان و ۲. عاملیت‌های خرد.

منظور از عاملیت‌های کلان، عامل‌های خارج منطقه و فراگیر و اصطلاحاً فرامنطقه‌ای و در سطح کلان جامعه می‌باشد. در این مطالعه عاملیت‌های کلان شامل زیرمقوله‌های ۱. شکل‌گیری خرده‌فرهنگ جامعه مربوطه ۲. عدم همکاری سازمان‌های مربوطه در زمینه کار کودک با متولی اصلی آن ۳. عدم پاسخگو بودن حمایت‌های موجود نسبت به نیاز اقتصادی خانوار می‌باشد. عامل مهمی که مصاحبه‌شوندگان آن را بیان نمودند «شکل‌گیری خرده‌فرهنگ» در برخی از مناطق و محلات بود. مصاحبه‌شوندگان بیان نمودند که در برخی از محلات، بخصوص کودکان ذکور می‌بایست اقدام به فعالیت کنند و این امر برای آنان به یک ارزش فرهنگی تبدیل شده است و سبب گشته که کودکانی که کار می‌کنند از شأن اجتماعی بالاتری برخوردار شوند و در صورتی که این کودکان در این مناطق به هر دلیلی اقدام به کار کردن نکنند، در این جامعه با این نوع از فرهنگ و نگرش طرد می‌گردند و به آنان برچسب‌هایی همچون بی‌لیاقت و بی‌عرضه می‌زنند. لذا می‌توان گفت که فرهنگ حاکم بر این محلات در راستای پرورش کودکان کار است و اگر کودکی نیز با این نوع از کار کردن مخالف کند و یا در مقابل آن از خود مقاومت نشان دهد، بی‌شک از جانب خانواده و جامعه خود طرد خواهد شد.

از جمله موارد دیگری که جامعه‌مورد مطالعه (بخصوص کارشناسان بهزیستی) در این بخش به آن اشاره داشتند، «عدم همکاری سازمان‌های مربوطه در زمینه کار کودک» با بهزیستی به عنوان متولی اصلی کودکان کار بود. آنان معتقد بودند بهزیستی به تنهایی توانایی مدیریت شرایط موجود را ندارد، زیرا روز به روز به دلایل مختلف بر تعداد کودکان کار افزوده می‌شود، درحالی که طبق آیین‌نامه سامان‌دهی کار کودک، ۱۱ سازمان دیگر موظف به همکاری با بهزیستی شده‌اند اما متأسفانه در عمل شاهد چنین همکاری نیستند و به‌جز یک یا دو سازمان، سایر سازمان‌های مربوطه در این زمینه همکاری لازم را با بهزیستی ندارند.

«عدم پاسخگو بودن حمایت‌های موجود نسبت به نیاز اقتصادی خانوار» دیگر عاملی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره داشتند. علاوه بر کنشگران و عاملیت‌های فرا منطقه‌ای که اشاره شد، عاملیت‌های خرد هم می‌تواند باعث بروز پدیده «کودکان خیابانی و کار» گردد. عاملیت‌های خرد در این مطالعه شامل زیرمقوله‌های ۱. چشم و هم‌چشمی بین کودکان ۲. تیمی بودن برخی از فعالیت کار کودکان و ۳. رضایت کودکان از وضعیت موجود و نحوه کار خود می‌باشد.

دیگر عاملی که مصاحبه‌شوندگان آن را بیان نمودند عامل «چشم و هم‌چشمی» در بین کودکان است. مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که در برخی از محلات و مناطق خاص، کودکان هنگامی که افراد هم سن و سال خود را می‌بینند که با کار در خیابان درآمد بالایی کسب می‌کنند، حس رقابت و چشم و هم‌چشمی بین آنان ایجاد می‌شود. این عامل باعث می‌شود بعد از مدتی، این کودکان نیز به کار در خیابان‌ها تشویق و ترغیب شوند. البته با توجه به بافت این محلات و وضعیت اقتصادی ساکنین این مناطق، خانواده‌های آنان نیز به‌مراتب در این چشم و هم‌چشمی شرکت دارند و نه تنها از این عملکرد کودکان ممانعت نمی‌کنند، بلکه خودشان نیز کودکان را در این راستا تشویق و ترغیب می‌کنند.

«تیمی بودن فعالیت کار کودکان» در برخی مناطق، مفهوم دیگری بود که به آن اشاره شد. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند کار کودک در استان کرمانشاه یک مسئله پیچیده است و در بسیاری از موارد ما با یک نفر یا یک خانواده مواجه نیستیم، بلکه با یک

گروه سازمان‌یافته مواجه می‌باشیم که کودکان را استثمار می‌کنند، آنان را به کار در محل‌های مختلف می‌گمارند، از دور نیز آنان را رصد و مدیریت می‌کنند و بخش عظیمی از درآمد آنان را می‌برند.

عامل دیگری که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره نمودند «رضایت کودکان از وضعیت موجود خود» بود. آنان معتقد بودند این کودکان به دلیل کسب درآمد بیشتر در خیابان، به این کار خود راضی هستند و حتی اگر آموزش ببینند و اشتغال آنان هم تأمین گردد، باز هم درآمد آنان به اندازه الان نخواهد بود. لذا میل و رغبتی به تغییر کار خود ندارند.

استراتژی‌ها: منظور از استراتژی‌ها این است که جامعه‌مورد مطالعه در برابر پدیده «کودکان خیابانی و کار»، چه عکس‌العملی را از خود نشان داده‌اند. در این تحقیق به علت چندبعدی بودن پدیده کار کودک و درگیر بودن سازمان‌های مختلف، می‌بایست استراتژی‌های هر یک از سازمان‌های مربوط مسئول و ذی‌ربط به صورت مجزا بررسی شوند. لذا مقوله استراتژی‌ها در تحقیق حاضر از دیدگاه ادارات و سازمان‌های مربوطه به شرح ذیل است:

اقدامات مهمی که اداره کل بهزیستی استان کرمانشاه و سایر ادارات بهزیستی در سایر شهرستان‌ها در راستای سامان‌دهی کودکان کار و کاهش معضل موجود انجام داده‌اند شامل (۱) شناسایی و انتقال کودکان به مراکز مربوطه، (۲) فرستادن مددکاران جهت بازدید از وضعیت زندگی کودکان، (۳) معرفی به سازمان‌های دیگر جهت تحت پوشش درآوردن خانواده‌های نیازمند، (۴) معرفی والدین دارای اعتیاد به کمپ‌های ترک اعتیاد به صورت رایگان، (۵) حمایت‌های مالی از خانواده‌های نیازمند، (۶) برگزاری کلاس‌های جرئت‌آموزی برای کودکان، (۷) ارائه خدمات مشاوره‌ای رایگان، (۸) تست ایدز از والدین کودکان، (۹) برگزاری کلاس‌های کسب درآمد و مهارت و (۱۰) استخدام کودکان در شغل‌های مورد تأیید این سازمان؛ بود که در ادامه به توضیح چند مورد از این اقدامات پرداخته شده است.

اولین اقدامی که اداره بهزیستی در زمینه سامان‌دهی کودکان کار خیابانی انجام می‌دهد، شناسایی و انتقال کودکان به مراکز تحت نظر بهزیستی است. پس از شناسایی نمودن کودکان، یک نفر کارشناس از طرف بهزیستی به محل سکونت کودک مورد نظر مراجعه نموده و با بررسی وضعیت خانوادگی و مالی کودکان کار، تصمیمات لازم اتخاذ می‌گردد. اگر خانواده کودکان نیازمند باشند و در فقر مالی به سر برند، سازمان بهزیستی آنان را به مراکز دیگر از جمله کمیته امداد معرفی نموده تا تحت سرپرستی آن سازمان دربیایند و البته لازم به ذکر است که خود بهزیستی نیز در حد توان کمک‌های نقدی و غیرنقدی به خانواده‌ها و کودکان نیازمند اعطا می‌کند. شایان ذکر است که اگر در بازدید به عمل آمده، والدین کودکان دچار اعتیاد باشند، به کمپ‌های مورد تأیید بهزیستی انتقال داده می‌شوند که به صورت رایگان می‌باشد.

یکی دیگر از اقداماتی که معاونت اجتماعی اداره کل بهزیستی استان کرمانشاه در فرایند سامان‌دهی این کودکان انجام می‌دهد، «برگزاری کلاس‌های جرئت‌آموزی برای کودکان» است. با وجود آسیب‌های فراوانی که در کمین کودکان کار و خیابانی است، جرئت دادن به کودکان امری لازم و ضروری است تا از این طریق بتوان از شدت آسیب‌های وارده بر آنان کاست. ارائه خدمات مشاوره‌ای رایگان به کودکان، دیگر اقدام اداره کل بهزیستی است. جامعه‌مورد مطالعه بیان داشتند که خدمات مشاوره رایگان برای کودکان و حتی خانواده‌های آنان در نظر گرفته‌اند تا از این طریق بتوانند از نظر روحی باعث تقویت کودکان و خانواده‌های آنان گردند.

یکی دیگر از اقدامات بهزیستی در این راستا گرفتن «تست ایدز از والدین کودکان» بوده است تا در صورت بروز مشکل، بتوانند در مراحل اولیه آن را کنترل نمایند. اما به گفته یکی از مسئولان مرکز، هیچ نمونه مثبتی گزارش نشد و تمام والدین از نظر ناقل بودن به ویروس ایدز منفی بودند.

علاوه بر برگزاری کلاس‌های جرئت‌آموزی به کودکان، یکی دیگر از اقدامات مهم بهزیستی، «برگزاری کلاس‌های کسب درآمد و مهارت‌آموزی» برای کودکان کار است تا آنان بتواند مهارت مفیدی به دست آورند و بتوانند در آینده از طریق مهارت خود، درآمد کسب نمایند. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره (۳) بیان نمود:

«... یک کارگاه آموزشی با عنوان آموزش تعمیرات وسایل گردوننده (لباس شویی، ظرفشویی، جارو برقی و ...) با کمک استانداری، فنی و حرفه‌ای و جهاد دانشگاهی برگزار شد که هدف اصلی از این کلاس، پیش‌بینی اشتغال‌زایی برای آینده کودکان بود...» (مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۱۳۹۷).

«استخدام کودکان در شغل‌های مورد تأیید این سازمان» از دیگر اقدامات بهزیستی بود که به منظور سامان‌دهی کودکان کار انجام دادند. این سازمان به منظور دور کردن کودکان از خیابان و آسیب‌های اجتماعی فراوان، کودکان را به مراکز مورد تأیید بهزیستی معرفی نمودند.

مسئولیت‌های مربوط به کودکان خیابانی و کار در شهرداری استان کرمانشاه به عهده دو بخش معاونت فرهنگی و اجرائیات شهرداری استان می‌باشد. کارشناسان این بخش‌ها نیز متولی اصلی را سازمان بهزیستی دانسته و بیان نمودند که بهزیستی باید رویکرد توانمندسازی را برای کودکان در پیش بگیرد. لذا اقدامات قابل توجهی نیز در این زمینه انجام نداده‌اند. کارشناسان بخش اجرائیات شهرداری کرمانشاه نیز اذعان نمودند که وظیفه اصلی، مربوط به بهزیستی است و اجرائیات شهرداری کرمانشاه صرفاً با آنان همکاری دارند.

مصاحبه‌شوندگان در معاونت اجتماعی ناجا استان کرمانشاه بیان نمودند که مستقیماً درگیر سامان‌دهی کودکان کار نیستند، اما در کنار شهرداری و بهزیستی در حوزه جمع‌آوری کودکان کار در سطح خیابان، به صورت غیرمستقیم نقش دارند. مهم‌ترین اقدامات آنان پس از صدور مجوز از دستگاه قضایی استان شامل (۱) همکاری با بهزیستی و شهرداری جهت جمع‌آوری کودکان کار در سطح شهر، (۲) ارتباط با سمن‌ها و دستگاه‌های مرتبط برای ساماندهی کودکان کار می‌باشد. کارشناسان دادگستری و دادگاه اطفال نیز، بهزیستی را متولی اصلی سامان‌دهی کار کودکان دانستند و عنوان کردند که بهزیستی باید در این زمینه فعال باشد و اقدامات لازم را انجام دهد. اما با این وجود، این سازمان نیز در زمینه سامان‌دهی کودکان کار اقداماتی نظیر (۱) ارائه مجوز به بهزیستی برای جمع‌آوری کودکان در سطح شهر و (۲) آموزش و آگاه‌سازی کودکان را انجام داده‌اند.

طی مصاحباتی که با کارشناسان صداوسیما مرکز استان کرمانشاه به خصوص کارشناسان بخش برنامه‌ریزی و پژوهش مرکز انجام گرفت، مشخص شد که آنان نیز از زیر بار مسئولیت مستقیم سامان‌دهی کودکان کار و خیابانی خارج شده‌اند و سامان‌دهی کودکان کار را وظیفه بهزیستی می‌دانستند. آنان بیان نمودند که از نظر قانونی صراحتاً برای این سازمان وظیفه‌ای در جهت سامان‌دهی کودکان کار تعریف نشده است؛ لذا این اقدام در دستور کار صداوسیما استان نیست و این سازمان اولویت‌های دیگری را دارند که باید به آن بپردازند. هرچند که برخی از کارشناسان بیان نمودند که در برخی از برنامه‌ها مانند برنامه شبانه یا خانواده، به صورت موردی و البته حاشیه‌ای و کوتاه، به این مسئله پرداخته شده باشد؛ اما تا به حال برنامه‌ای با محوریت کودکان کار استان کرمانشاه و با رویکرد آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی جامعه صورت نگرفته است.

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد اقداماتی که استانداری برای سامان‌دهی کودکان کار انجام می‌دهد بیشتر جنبه‌ی پشتیبانی دارد. از جمله اقدامات این سازمان می‌توان به (۱) ارائه مجوز به انجمن‌ها و سمن‌ها به منظور فعالیت در زمینه کودکان کار، (۲) اختصاص بودجه به انجمن‌ها و سمن‌های مربوطه، (۳) ارائه کمک‌های مالی جهت برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای کودکان و (۴) تشکیل کارگروه‌های مربوط به سامان‌دهی کودکان کار؛ اشاره نمود.

همان‌طور که یکی از کارشناسان بخش آسیب‌های اجتماعی استانداری استان کرمانشاه بیان داشت؛

«... اقداماتی که توسط این سازمان انجام می‌گیرد بیشتر حالت حمایتی دارد و ما به صورت مستقیم با کودکان کار در ارتباط نیستیم. مثلاً برخی انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد هستند که مایل به فعالیت در زمینه کودکان کار می‌باشد. وظیفه ارائه مجوز به این سازمان‌ها به عهده استانداری است. به علاوه هر ساله بودجه‌هایی در اختیار این سمن‌ها و انجمن‌ها قرار می‌گیرد تا آنان بتوانند در انجام وظایف محوله موفقیت بیشتری کسب نمایند...» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، ۱۳۹۷).

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که کمیته امداد نیز اقدامات چشمگیری در زمینه سامان‌دهی یا کاهش کودکان خیابانی و کار انجام نداده است و مانند سایر سازمان‌ها، بهزیستی را مسئول این کار می‌داند. تنها اقدامی که کارشناسان این سازمان به آن اشاره داشتند «تحت پوشش قراردادن خانواده‌های کودکان کار» است که توسط بهزیستی به این سازمان معرفی می‌شوند. البته به شرطی که طی کارشناسی‌های به عمل آمده، خانواده‌های آنان شرایط لازم را برای تحت پوشش درآمدن این سازمان را داشته باشند.

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که اقدامات سمن‌های فعال در زمینه کودکان کار بیشتر از سازمان‌های دیگر (به جز بهزیستی) می‌باشد و تقریباً اقدامات مشابهی با بهزیستی انجام می‌دهد. این اقدامات شامل (۱) شناسایی کودکان کار، (۲) شناسنامه‌دار کردن کودکان کار، (۳) بازدید از وضعیت مالی و خانوادگی کودکان شناسایی شده، (۴) برگزاری کلاس‌های آموزشی برای کودکان، (۵) برگزاری اردوهای تفریحی-زیارتی برای کودکان کار، (۶) تهیه کالاهای اساسی برای خانواده‌های کودکان، (۷) تهیه لوازم‌التحریر برای کودکان کار، (۸) وصل نمودن خیرین به کودکان و (۹) کمک به کودکان در جهت شکوفایی استعداد‌های آنان؛ می‌باشد.

مسئول یکی از سمن‌های فعال در زمینه کودکان کار در زمینه اقداماتی که انجام دادند بیان نمود:

«... اولین اقدام ما شناسایی کردن کودکان کار است. به این منظور، چند نفر از اعضای سمن در سطح شهر و بخصوص مناطق حاشیه‌نشین به گشت زنی می‌پردازند و کودکان را در سطح شهر جمع می‌کنند. سپس با آنان صحبت کرده و به دفتر خود جهت حمایت دعوت می‌کنیم...» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۹، ۱۳۹۷).

به گفته یکی دیگر از اعضای سمن‌ها، علاوه بر تحت پوشش قرار دادن خانواده کودکان، کلاس‌های آموزشی و اردوهای تفریحی زیارتی برای کودکان کار برگزار می‌شود تا از این طریق روحیه کودکان کار تقویت گردد. همچنین از اقدامات مهم دیگر سمن‌ها می‌توان به تهیه کالاهای اساسی برای خانواده‌ها و لوازم‌التحریر برای کودکان اشاره نمود. همچنین «کمک به شکوفایی استعداد‌های کودکان» و «وصل نمودن خیرین به آنان» از دیگر اقدامات سمن‌ها بود که به آن اشاره شد. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره (۲۰) اذعان داشت:

«... ما به علایق کودکان و ایجاد انگیزه در آنان توجه بسیاری داریم... به عنوان مثال یکی از کودکان به ورزش خیلی علاقه داشت، او را در باشگاه مربوطه ثبت نام نمودیم و هزینه کلاس را نیز خودمان پرداخت کردیم... اکنون آن کودک مدال کشوری دارد. و یا اینکه یک نمونه دیگر داشتیم که خیرین را به کودک وصل کردیم و اکنون آن خیر ماهی ۵۰۰ هزار تومان به حساب آن دختر واریز می‌کند...» (مصاحبه‌شونده شماره ۲۰، ۱۳۹۷).

پیامدها: در واقع مقوله پیامدها همان‌طور که در مدل پارادایمیک مشخص است، خود در برگیرنده چند مقوله فرعی می‌باشد و شامل دو بخش کلی پیامدهای حاصل از کار کودک (که متوجه خود کودکان می‌باشد) و پیامدهای حاصل از به‌کارگیری استراتژی‌های سازمان‌های مختلف در برابر پدیده کودکان کار خیابانی، به شرح ذیل می‌باشد:

از جمله پیامدهای اقدامات اداره کل بهزیستی می‌توان به مواردی از قبیل (۱) دور کردن کودکان از آسیب‌های اجتماعی، (۲) ترک اعتیاد برخی والدین، (۳) توانمندسازی کودکان در حوزه کسب درآمد و اشتغال‌زایی، (۴) توانمندسازی کودکان در زمینه محافظت از خود در برابر آسیب‌های اجتماعی و (۵) ناامن شدن فضای کار برای کودکان اشاره نمود.

به عنوان نمونه یکی از پیامدهایی که کارشناسان بهزیستی به آن اشاره نمود، «ناامن شدن فضای کار برای کودکان» در نتیجه گشت زنی توسط نیروهای بهزیستی و نیروی انتظامی بود. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان داشت:

«... جمع‌آوری کودکان در سطح خیابان‌ها باعث شد یک محیط و فضای ناامن برای کودکان ایجاد گردد و سبب وارد آمدن شوک به کودکان، عدم حضور مجدد کودکان در خیابان‌ها و همچنین از بین بردن انگیزه کودکانی که قصد داشته‌اند به این عرصه پا بگذارند شده است...» (مصاحبه‌شونده شماره ۴، ۱۳۹۷).

زمینه ساماندهی کودکان کار انجام نداده‌اند زیرا آنان متولی اصلی ساماندهی را بهزیستی می‌دانستند. از آنجا که در این پژوهش بررسی تمام اقدامات و پیامدهای آن از اهمیت بالایی برخوردار است؛ لذا در این قسمت به بررسی پیامدهای اقدامات این سازمان‌ها خواهیم پرداخت که البته اشتراکاتی با اداره بهزیستی دارند.

اداره شهرداری (هر دو بخش معاونت فرهنگی و اجراییات) و همچنین معاونت اجتماعی ناجا بیشتر در گشت زنی با اداره بهزیستی همکاری دارند و به نظر کارشناسان این ادارات نیز، «ایجاد محیط ناامن» برای کودکان یکی از پیامدهای مهم می‌باشد. همچنین به گفته کارشناسان معاونت اجتماعی ناجا، یکی از پیامدهای اقدامات آنان، «برقراری رابطه و پیوند محکم بین سمن‌های فعال در زمینه کودکان کار و خیابانی» بوده است.

در زمینه پیامدهای اقدامات اداره دادگستری استان کرمانشاه نیز باید گفت، کارشناسان این سازمان معتقد بودند از طریق ارائه مجوزهای لازم به بهزیستی، موجب تسریع در روند فعالیت‌های بهزیستی می‌شوند و در ایجاد ناامنی به وجود آمده نقش دارند. اما نکته قابل تأمل این بود که آنان معتقد بودند این امر موقتی است؛ چرا که به صورت دوره‌ای انجام می‌گردد. همچنین، از پیامدهای دیگر می‌توان به افزایش آگاهی کودکان و خانواده‌های آنان در نتیجه ارائه آموزش‌های لازم اشاره نمود.

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد صداوسیما مرکز کرمانشاه اقدامات مؤثری در زمینه ساماندهی کودکان کار انجام نداده و لذا پیامدهای قابل توجهی نیز به همراه نداشته است. در زمینه پیامدهای حاصل از اقدامات استانداری، نتایج حاصل از پژوهش نشان داد، این سازمان با ارائه مجوز به سمن‌ها و بودجه به آنان سبب (۱) افزایش انگیزه فعالیت سمن‌ها در زمینه کار کودکان و در نتیجه بهبود وضعیت کودکان کار و (۲) افزایش سطح آگاهی کودکان از آینده از طریق کمک به برگزاری کارگاه‌های آموزشی شده است. در واقع باید گفت از آنجا که استانداری بیشتر نقش حمایتی دارد، لذا به صورت غیرمستقیم در توانمندسازی و کاهش کودکان در خیابان‌ها نقش دارد و از این طریق موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی شده است.

کمیت امداد نیز به طور مستقیم در زمینه کودکان کار اقداماتی انجام نداده است، اما از طریق تحت پوشش قرار دادن خانواده‌هایی از کودکان خیابانی که شرایط لازم را داشتند، تا حدودی موجب افزایش توان مالی خانواده‌ها و کاهش حضور کودکان در خیابان شده است.

اما در مورد سمن‌ها باید گفت شناسایی و شناسنامه‌دار کردن و در نهایت تحت پوشش قرار دادن این کودکان و خانواده‌های آنان سبب حل بخشی از معضلات این کودکان شده است، به نحوی که شاید باعث کاهش حضور کودکان در خیابان شده‌اند. به علاوه برگزاری کلاس‌های آموزشی مختلف برای کودکان سبب افزایش سطح آگاهی کودکان و به مراتب خانواده‌ها و سرپرستان آنان شده است. همچنین سمن‌ها از طریق برگزاری اردوهای تفریحی و زیارتی، باعث ایجاد شادی در کودکان شده‌اند. به علاوه سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق برقراری پیوند بین خیرین و کودکان سبب خروج کودک از چرخه کار در خیابان شده است.

همچنین شایان ذکر است که سمن‌ها از طریق حمایت‌های مالی همچون پرداخت شهریه کلاس‌های ورزشی موجب پیشرفت کودکان در رشته مورد علاقه خود شده‌اند و این کار موجب خروج آن‌ها از کار در خیابان شده است، لذا این سمن‌ها در شکوفایی استعدادها و ارتقا روحیه و انگیزه آنان نقش اساسی داشته‌اند.

منظور از پیامدهای غیر قابل انتظار، آن دسته از پیامدهایی است که سازمان‌های مختلف با انجام اقدامات خود، انتظار دستیابی به آنان را نداشتند و هدف آنان دستیابی به این پیامدها نبود. از جمله پیامدهای غیرقابل انتظار می‌توان به ۳ مورد (۱) عدم حل معضل کودکان کار در استان، (۲) عدم همکاری سازمان‌های مربوط به ساماندهی کودکان و نیز دیگر سازمان‌ها و (۳) فروش وسایل هدایی به کودکان کار توسط برخی والدین؛ اشاره نمود.

وجود پدیده کودکان کار خیابانی، پیامدهایی را برای کودکان و جامعه دارد که شامل (۱) جا ماندن از تحصیل، (۲) عدم شغل مناسب در آینده، (۳) چرخه باطل کار کودکان در نسل‌های پی در پی، (۴) کاهش نیروی کار ماهر در نسل‌های آینده و (۵) گرفتار شدن کودکان و جامعه در دام انواع آسیب‌های اجتماعی، می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال واکاوی و ساماندهی پدیده کودکان کار خیابانی استان کرمانشاه با تأکید بر توسعه مهارت‌های کارآفرینانه آنان بود. برای این منظور، با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، داده‌های تحقیق را در قالب جدول مفاهیم و مدل پارادایمیک ارائه و به‌طور مبسوط تشریح کرد. شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر با درجات اهمیت متفاوت، دلایل اصلی کار کردن کودکان در خیابان‌های استان کرمانشاه است. طبق نتایج، عوامل اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین عامل در ایجاد کودکان کار نقش دارد و اکثر کودکان به دلیل گرفتار بودن در دام فقر و تنگدستی روانه خیابان می‌شوند، به‌علاوه وضعیت اقتصادی لجام‌گسیخته استان کرمانشاه، این وضعیت را بدتر کرده است. این بخش از یافته‌ها با یافته‌های امیری (Amiri, 2015)، فلاح و همکاران (Fallah et al., 2008)، یودوفیا و اتیم (Udofia & Etim, 2013)، آکر (Aker, 2010) و آلپتکین (Alptekin, 2011) همخوانی دارد. به‌عبارت دیگر، عدم توسعه مهارت‌های کارآفرینانه در بین جامعه هدف سبب گیر افتادن این نسل و نسل‌های آتی آنان در تله دور باطل کودکان کار خیابانی شده است.

همچنین طبق نتایج، عوامل خانوادگی در کار کودکان نقش اساسی دارد. والدین از طریق عدم توجه به نیازها و آینده کودکان به‌گونه پنهانی موجب حضور کودکان در خیابان شده‌اند؛ به‌عنوان مثال، والدین معتاد نه تنها زندگی خوشان را بلکه زندگی و آینده فرزندان‌شان را نیز به تباهی کشانده‌اند و اکثراً درآمدی که کودک کسب می‌کند را از او می‌گیرند. نتایج این بخش با مطالعات افشانی و همکاران (Afshani et al., 2013)، امیری (Amiri, 2015) و فلاح و همکاران (Fallah et al., 2008) همراستا است.

باید گفت تأثیر فرهنگ در دو بُعد قابل بررسی می‌باشد؛ اول فرهنگ موجود در خانواده کودک کار و دوم فرهنگ حاکم بر جامعه. همان‌طور که یافته‌ها نشان دادند، پایین بودن سطح فرهنگی خانواده کودکان زمینه لازم برای کار کردن کودکان فراهم کرده است و زمانی که کودک در خانواده‌ای رشد می‌کند که کار کردن برای کودک را نوعی شایستگی و لیاقت تصور می‌کنند، مسلم است که کودک نیز برای نشان دادن خود به خانواده و دوستانش، روانه خیابان می‌شود و همین کودک بعدها به‌منظور درآمد بیشتر ممکن است در دام آسیب‌هایی که در خیابان در کمین او هستند بیفتد. درست است که توانمند شدن کودکان از همان ابتدا اهمیت دارد، اما این نکته را نیز نباید فراموش نمود که کودکان و نوع کار امروزی با کودکان و نوع کار گذشته متفاوت هستند. در گذشته کودکان به انجام کارهای مثبت و مفید می‌پرداختند که نه برای سلامتی آنان ضرر داشت و نه صدمه‌ای به جامعه وارد می‌نمود، اما این نوع کار کردن کودکان امروزی، نه تنها برای کودکان مفید نیست و ارزش و لیاقت را به‌همراه ندارد، بلکه سبب آسیب‌های جدی به کودک در بلنمدت و همچنین، به جامعه خواهد زد. این بخش از یافته‌ها با نتایج افشانی و همکاران (Afshani et al., 2013)، امیری (Amiri, 2015)، سوربر و همکاران (Sorber et al., 2014) و ووآن و همکاران (Woan et al., 2013) همراستا است.

جدای از فرهنگ خانواده، متأسفانه در استان کرمانشاه فرهنگ حاکم بر جامعه در زمینه نحوه برخورد با کودکان کار، فرهنگ مناسبی نیست. مردم این استان زمانی که می‌بینند کودکان در خیابان مشغول کارهای مختلف از جمله پاک کردن شیشه ماشین یا دست‌فروشی هستند، برای آنان دل‌سوزی می‌کنند و حتی پول زیادی به آن‌ها می‌دهند، لذا باید گفت که رفتار مردم زمینه لازم را برای کار کردن کودکان فراهم نموده است و بر افزایش شدت این معضل بزرگ، دامن زده است. طبق نتایج، در سطح کلان مواردی همچون شکل‌گیری خرده‌فرهنگ جامعه مربوطه و عدم همکاری سازمان‌های مربوطه در زمینه کار کودک با متولی اصلی آن یعنی بهزیستی در پدیده کودکان کار تأثیر دارند. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت، بروز خرده‌فرهنگ در سطح جامعه که در مناطق فقیر و حاشیه‌ای بیشتر حکم‌فرما است، عمدتاً کودکان ذکور را به کار و درآمدزایی وادار می‌کند و این که چه کاری باشد و کجا، اصلاً اهمیتی ندارد. درواقع، باید گفت در این زمینه انگشت اتهام به سمت والدین است و این والدین هستند که چنین ارزشی را تعیین نموده‌اند، اما والدین باید بدانند که کار خیابانی زود هنگام کودکان نه تنها ارزش نیست، بلکه ضد ارزش

است و با این عقیده نادرست، آینده کودکان خود را به سمت تباهی سوق می‌دهند. البته لازم به ذکر است که این خرده‌فرهنگ به دلیل شرایط حاکم بر منطقه و محله زندگی آنان شکل گرفته است. این بخش از یافته‌ها با نتایج امیری (Amiri, 2015) و سوربر و همکاران (Sorber et al., 2014) هم‌راستا است. در این زمینه باید بیان نمود که اگر قرار است که کودکان از همان دوران کودکی وارد بازار کار شوند به‌جای ورود به خیابان‌ها و افزایش معضلات اجتماعی باید به سمت توسعه مهارت‌های کارآفرینانه خود زیر نظر و حمایت سازمان‌های ذی‌ربط مانند سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، شهرداری، بهزیستی و غیره بروند تا زمینه مهارت آموزی آنان با تأکید بر اقدامات کارآفرینانه فراهم گردد.

عدم همکاری سازمان‌های مربوطه در زمینه کار کودک با بهزیستی نیز عاملی دیگری است که در ایجاد پدیده مورد بررسی نقش دارند. باید توجه نمود تا زمانی که سازمان‌ها وظایف و مسئولیت خود را گردن دیگری می‌اندازند و موقعیت ایجاد شده را به ناکارآمدی سایر سازمان‌ها نسبت می‌دهند، وضعیت جامعه و کودکان کار همین است که اکنون شاهد آن هستیم. متأسفانه در مصاحبه به عمل آمده مشخص شد که تمام سازمان‌ها خود را از مسئولیتی که به‌عهده آنان گذاشته‌شده دور کرده‌اند و بار تمام مشکلات را بر دوش اداره بهزیستی گذاشته‌اند، درحالی که از نظر قانونی، وظیفه سامان‌دهی کودکان کار به‌عهده ۱۱ سازمان است.

طبق نتایج حاصل از پژوهش، علاوه بر عاملیت‌های کلان، برخی عوامل وجود دارند که به خود کودکان برمی‌گردد. در واقع، باید گفت نباید تمام مسئولیت را به گردن سازمان‌ها و شرایط موجود در جامعه انداخته شود، بلکه خود کودکان نیز در ایجاد شرایط به‌وجود آمده تا حدی نقش دارند. به‌عبارتی دیگر، کودکان هم به‌عنوان عاملان و هم به‌عنوان قربانیان هستند. به‌طور ویژه در مناطق فقیرنشین، چشم و هم چشمی کودکان باعث می‌شود، حتی اگر نیاز مالی کودکان مرتفع گردد، باز هم کار در خیابان را رها نمی‌کنند. مسلماً در چنین شرایطی بهبود وضعیت موجود مشکل خواهد بود؛ زیرا این کودکان هستند که باید این کار را رها نمایند و هیچ زور و قانونی نمی‌تواند مانع آنان شود. نتایج این بخش با یافته‌های سوربر و همکاران (Sorber et al., 2014) و آلپتکین (Alptekin, 2011) هم‌راستا است. البته اگر با دیدگاه آنان نسبت به مهارت‌آموزی و کارآفرینی و پیامدهای اقتصادی آن اصلاح شود، مسلماً آنان اقدامات کارآفرینانه را به‌حضور در خیابان‌ها ترجیح می‌دهند، این مهم از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب محقق می‌گردد.

در نهایت، کودکان خیابانی ساعت‌های زیادی را در خیابان‌های پرخطر شهر می‌گذرانند و با انواع مختلف آدم‌ها و بزه‌ها برخورد می‌کنند؛ بدین ترتیب، آنان هر روز با افرادی اغلب بی‌سواد، فقیر، معتاد و خشن روبرو می‌شوند که ادامه چنین وضعیتی مسلماً بستری مساعد برای گرایش به آسیب‌های مختلف اجتماعی را در نزد آنان فراهم می‌کند. امروزه علاوه بر بهزیستی، نیروی انتظامی، دادگستری، شهرداری، وزارت کار، وزارت بهداشت، کمیته امداد، سازمان بیمه، تأمین اجتماعی، صداوسیما، هلال‌احمر و آموزش و پرورش در قبال کودکان خیابانی مسئولیت مستقیم دارند؛ این درحالی است که تعداد این کودکان در خیابان‌ها بسیار زیاد شده است و غالباً این کودکان به‌منظور دریافت حمایت میان این نهادها سرگردانند و همین امر موجب سلب اعتماد آنان به نهادهای اجتماعی شده است. خانواده این کودکان هیچ‌گونه دریافت ایمنی و حمایتی از سوی دولت نداشتند و به حال خود در مکانیسم بازار و تورم رها شدند. این کودکان جزء کسانی هستند که پدر یا والدین‌شان بیکارند یا مشاغل کاذب دارند. هیچ تورم‌آیندی یا چتر حمایتی برای این خانواده‌ها و کودکان وجود ندارد.

در آخر باید گفت پدیده کودکان خیابانی را نمی‌توان کاملاً از بین برد، بلکه می‌توان آن را کنترل، تعدیل و یا کاهش داد و کاهش آن نیز نه به‌صورت ضربتی و با اجرای چند طرح، بلکه به شکل یک جریان و فرآیند مستمر در قالب راهکارهای بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت عملی خواهد بود. با توجه به این نکات و براساس پژوهش انجام شده، راهکارهای زیر در سه سطح (کلان، میانی و خرد) و در سه بعد زمانی (بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت) ارائه می‌گردد:

– راهکارهای بلندمدت در سطح کلان شامل توسعه مهارت‌های کارآفرینانه و تلاش در جهت فقرزدایی از طریق اشتغال‌زایی، تأمین رفاه و عدالت اجتماعی، کاهش تبعیض طبقاتی با توجه به عامل مؤثر فقر در ایجاد پدیده کودکان خیابانی،

توجه به آموزش همگانی به‌ویژه والدین به‌منظور تغییر نگرش‌های نامطلوب نسبت به کودکان و بازسازی فرهنگی جامعه به‌ویژه اعتیاد و بزهکاری، تأکید بر کاهش مسائل اجتماعی از جمله جلوگیری از افزایش بی‌رویه جمعیت، جلوگیری از مهاجرت روستاییان با برنامه‌ریزی مناسب. بدیهی است تحقق این موارد نیاز به برنامه‌ریزی در سطح کلان جامعه دارد و مستلزم تغییراتی در ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه است.

- راهکارهای میان‌مدت و کوتاه‌مدت در سطح سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با این کودکان عمدتاً عبارتند از: تدوین قوانین حمایتی و بازنگری در برخی از آن‌ها در ارتباط با کودکان خیابانی و تلاش در جهت حرکت و ساماندهی آنان از طریق مهارت‌آموزی و ترغیب آنان به انجام اقدامات کارآفرینانه و همچنین، نظارت بر اجرای دقیق قوانین موجود در مورد کودکان از جمله قانون کار، پیمان‌نامه حقوق کودک، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان؛ ایجاد شبکه یا نظام یکپارچه حمایتی از این کودکان به‌منظور هماهنگی بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط و درنهایت، ارائه تسهیلات انگیزشی مناسب برای توسعه اقدامات کارآفرینانه کودکان کار.

References

- Acar, H. (2010). Children working in the streets and in the service sector in Turkey: A comparative study. *International Journal of Human Sciences*, 7 (1), 1009-1019.
- Aderinto, A. (2000). Social correlates and coping measures of street-children: A comparative study of street and non-street children in south-western Nigeria. *Child Abuse & Neglect*, 24 (9), 1199-1213.
- Afshani, S., Askari-Nodoushan, A., Heydari, M., & Noorian Najafabadi, M. (2013). An Analysis of the Street-Children Phenomenon in the City of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 23(4), 85-102.
- Alptekin, K. (2011). Street children and families: The case of Duzce. *Community and Social Work*, 22 (1), 25-48.
- Amiri, A. (2015). Sociological analysis of the lived experience of Afghan street children in Isfahan city. Dissertation for obtaining a master's degree in social science research, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University.
- Bal Yilmaz, H., & Dulgerler, S. (2011). Children who work in the street in Izmir, Turkey. *Social Behaviour and Personality*, 39 (1), 129-144.
- Bal, B., Mitra, R., Mallick, A. H., Chakraborti, S., & Sarkar, K. (2010). Nontobacco substance use, sexual abuse, HIV, and sexually transmitted infection among street children in Kolkata, India. *Substance use & misuse*, 45(10), 1668-1682.
- Corbin, J. M., & Strauss, A. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. *Qualitative sociology*, 13 (1), 3-21.
- Etim, N. A., & Udofia, U. S. (2013). Analysis of Poverty among Subsistence Waterleaf Producers in the Tropic. Implications for Household Food and Nutrition Security. *American Journal of Advanced Agricultural Research*, 1 (2), 62-68.
- Fallah, F., Karimi, A., Eslimi, G., Rafie Tabatabaie, S., Goudarzi, H., & Radmanesh Ahsani, R., (2008). The assessment of hepatitis B and C prevalence in street children of Tehran from Farvardin to Shahrivar 1386. *Research in Medicine*, 32 (2) :147-151 URL: <http://pejoughesh.sbmu.ac.ir/article-1-503-fa.html>.
- Figueiredo, E., & Lima, L. R. (2022). Unintended consequences of trade integration on child labor. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 194, 523-541.
- Gilani, S. R. S., Zahoor, S., & Iqbal, M. A. (2022). Child Labor in Pakistan: Causes, Consequences and Prevention. *Pakistan Social Sciences Review*, 6 (2), 197-208.
- Glaser, B. G., & Holton, J. (2004). Remodeling grounded theory. *Forum qualitative sozialforschung/forum: qualitative social research*, 5 (2), 1-22.
- International labor organization. (2015). World Report on Child Labour 2015: Paving the way to decent work for young people, *International Labour Office*, 1-80.
- Iran Welfare Organization. (2019). Continuation of support for working children until adulthood. Taken from the website of the country's welfare organization, available at <http://www.behzisti.ir/news/443/>.
- Khosravi, E., Naderi, N., Rezaei, B., & Azadi, H. (2021). Investigating the Behavioral Adaptation Model of Tourism Business Owners in Kermanshah Province facing COVID-19 Outbreak. *Geography and Environmental Sustainability*, 11(1), 55-72. doi: 10.22126/ges.2021.6329.2373
- Kozhaya, M., & Martinez Flores, F. (2022). Child labor bans, employment, and school attendance: Evidence from changes in the minimum working age. *Institute of labor economics*, 15144, 1-48.
- Lotfi, B., & Razeghi, N. (2019). Analysis of Technics and Types of Vulnerable Groups Problems Construction by Tehran Province NGOs. *refahj*. 19(74), 325-368. URL: <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3128-fa.html>
- Mars, M. M., & Rhoades, G. (2012). Socially oriented student entrepreneurship: A study of student change agency in the academic capitalism context. *The Journal of Higher Education*, 83 (3), 435-459.

- McAlpine, K., Henley, R., Mueller, M., & Vetter, S. (2010). A survey of street children in Northern Tanzania: How abuse or support factors may influence migration to the street. *Community mental health journal*, 46 (1), 26-32.
- Mirakzadeh, A. A., Karamian, F., Khosravi, E., & Parvin, F. (2021). Analysis of preventive behaviors of rural tourism hosts in the face of COVID-19 pandemic: application of health belief model. *Frontiers in public health*, 9, 1-11.
- Molavi, A. (2016). Empowerment of 150 working children in Kermanshah/16% of working children are illiterate. Taken from Jamaran's website, available at <http://www.8tag.ir/news/8741215618689741303-6925789280028279363>.
- Mosavi Seresht, S. A., Moradnejadi, H., & Shiri, N. (2021). The Obstacles and Problems of Businesses Based on Agricultural Student Cooperatives: A Phenomenological Study in the western of Iran. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 8(4), 21-34. doi: 10.22069/jead.2022.19737.1549
- Nuwayhid, I. A., Usta, J., Makarem, M., Khudr, A., & El-Zein, A. (2005). Health of children working in small urban industrial shops. *Occupational and Environmental Medicine*, 62 (2), 86-94.
- Omokhodion, F. O., Omokhodion, S. I., & Odusote, T. O. (2006). Perceptions of child labour among working children in Ibadan, Nigeria. *Child: care, health and development*, 32 (3), 281-286.
- Panther-Brick, C. (2002). Street children, human rights, and public health: A critique and future directions. *Annual review of anthropology*, 31, 147-171.
- Quick, J., & Hall, S. (2015). Part two: Qualitative research. *Journal of perioperative practice*, 25(7-8), 129-133.
- Rosati, F. C. (2022). Child Labor Theories and Policies. *Handbook of Labor, Human Resources and Population Economics, CEIS Working Paper*, 533, 1-37.
- Santillán Hernández, A. S., & Vargas Sánchez, J. R. (2022). Child labor and school performance in Mexico. *Problemas del desarrollo*, 53 (208), 125-150.
- Shiri, N., Khoshmaram, M., Rezaei, A., & Zarafshani, K. (2021). Effect of Psychological Empowerment Dimensions on Entrepreneurial Behavior among Rural Women: A Model for Promoting the Role of Women in Economic Development. *Woman in Development & Politics*, 19(4), 573-593. doi: 10.22059/jwdp.2021.320547.1007977
- Smith, W. L., Schallenkamp, K., & Eichholz, D. E. (2007). Entrepreneurial skills assessment: an exploratory study. *International Journal of Management and Enterprise Development*, 4 (2), 179-201.
- Soltani, A., Jahandari, P., & Ahmadi Manesh, A. (2016). Pathology of the phenomenon of working and street children in Iran. *The 8th International Conference on Psychology and Social Sciences*, Tehran: Mehr Ashraq Conferences, available at: https://www.civilica.com/Paper-RAFCON08-RAFCON08_124.html.
- Sorber, R., Winston, S., Koech, J., Ayuku, D., Hu, L., Hogan, J., & Braitstein, P. (2014). Social and economic characteristics of street youth by gender and level of street involvement in Eldoret, Kenya. *PLoS One*, 9 (5), 1-9.
- Tabrizi, G. (2011). Investigating the situation of street school age children and the factors affecting it. The research project of the General Directorate of Education of Khorasan Razavi Province, Vice-President of Research, Planning and Human Resources, Research and Research Department.
- Woan, J., Lin, J., & Auerswald, C. (2013). The health status of street children and youth in low-and middle-income countries: a systematic review of the literature. *Journal of Adolescent Health*, 53(3), 314-321.